

از جمله تشخیص نیک از بد<sup>۱</sup>، فهمیدن سخن مخاطب و دادن پاسخ نیکو<sup>۲</sup> و توان قصد قربت نمودن<sup>۳</sup>. در کتب فقهی از کودک بیشتر با واژه صبی یا طفل یاد می‌شود.<sup>۴</sup>

بر پایه منابع روایی، کودکان همراه پیامبر ﷺ به سفر حج رفته و مناسک به جای می‌آورده‌اند.<sup>۵</sup> نیز حضرت علی بن الحسین، امام سجاد (ع) در سنین هفت یا هشت سالگی حج گزارده‌اند.<sup>۶</sup> محل بحث حج کودکان در منابع فقهی، بیشتر تحت عنوان شرایط حج گزار است.<sup>۷</sup>

#### ◀ صحت و استحباب حج کودک:

فقیهان امامی<sup>۸</sup> و اهل سنت<sup>۹</sup> به استناد احادیث<sup>۱۰</sup>

بن علی بن بابویه (شیخ صدوق) (۳۱۱-۳۸۱ق.)، تحقیق و تصحیح علی‌اکبر غفاری، قم، دفتر انتشارات اسلامی، چاپ دوم، ۱۴۰۴ق؛ منتهی‌المطلب فی تحقیق المذهب: حسن بن یوسف حلی (۶۴۸-۷۲۶ق.)، مشهد، انتشارات بنیاد پژوهش‌های اسلامی آستان قدس رضوی، ۱۴۱۴ق؛ منح الجلیل شرح مختصر خلیل: محمد بن احمد بن عیثن (م. ۱۲۹۹ق.)، بیروت، دار الفکر، ۱۴۰۹ق؛ مهذب الاحکام بیان الحلال و الحرام: سید عبدالاعلی سبزواری، قم، المنار، ۱۴۱۳ق؛ المهذب: عبدالعزیز بن نحریر البراج (م. ۴۸۱ق.)، قم، دفتر انتشارات اسلامی، ۱۴۰۶ق؛ مواهب الجلیل: محمد بن محمد الحطاب الرعینی (م. ۹۵۴ق.)، به کوشش زکریا عمیرات، بیروت، دار الکتب العلمیه، ۱۴۱۶ق؛ موسوعة الامام الخویی: سید ابوالقاسم موسوی خویی (۱۳۱۷-۱۴۱۳ق.)، قم، انتشارات احیاء آثار الخویی، ۱۴۱۸ق؛ الموسوعة الفقهیه: کویت، وزارة الاوقاف والشئون الاسلامیه، ۱۴۱۰ق؛ نه‌ایة المطلب: عبدالملک الجوبینی (م. ۴۷۸ق.)، به کوشش السدید، دار المنهاج، ۱۴۲۸ق؛ نه‌ایة فی مجرد الفقه و الفتاوی: محمد بن حسن الطوسی (۳۸۵-۴۶۰ق.)، بیروت، دار الکتب العربی، ۱۴۰۰ق.

سعید گلاب‌بخش و رضا عندلیبی



#### حج کودکان: انجام حج توسط کودک

مقصود از کودک، در مباحث فقهی، کسی است که به بلوغ شرعی نرسیده است. کودک نابالغ، یا ممیز است یا غیر ممیز. در تعریف کودک ممیز، ملاک‌هایی عنوان شده است؛

۱. مناسک عمره مفرده، محشی، ص ۲۳۱.
۲. الشرح الكبير، ابوالبرکات، ج ۲، ص ۳.
۳. المجموع، ج ۶ ص ۴۷۶؛ کشاف القناع، ج ۶ ص ۲۵۹.
۴. المبسوط فی فقه الامامیه، ج ۱، ص ۲۹۷؛ تحفة الفقهاء، ج ۱، ص ۳۸۳؛ المجموع، ج ۷، ص ۲۱.
۵. صحیح البخاری ج ۲، ص ۲۱۹-۲۱۸؛ تهذیب الاحکام، ج ۵، ص ۶۷.
۶. مناقب آل ابی طالب ج ۳، ص ۲۹۵.
۷. تحفة الفقهاء، ج ۱، ص ۳۸۳؛ المغنی، ج ۲، ص ۱۶۱-۱۶۲؛ شرائع الاسلام، ج ۱، ص ۱۶۴.
۸. المقننه ص ۲۸۴؛ المبسوط فی فقه الامامیه، ج ۱، ص ۲۹۶-۲۹۷؛ مدارک الاحکام، ج ۷، ص ۲۰-۲۱.
۹. المدونة الكبرى، ج ۱، ص ۳۸۰-۳۸۱؛ المغنی، ج ۳، ص ۱۶۱-۱۶۲؛ مغنی المحتاج، ج ۴، ص ۳۵۴.
۱۰. دعائم الاسلام، ج ۱، ص ۱۹۴؛ سنن ابی داود، ج ۲، ص ۳۳۸-۳۳۹؛ تهذیب الاحکام، ج ۲، ص ۳۸۰؛ ج ۵، ص ۶.

صحیح و مستحب می‌دانند.<sup>۹</sup> اهل سنت حج کودکان غیر ممیز را نیز صحیح می‌دانند و تنها حنفیان، حج کودکان غیر ممیز را صحیح نمی‌دانند. (احجاج کودک)

#### ◀ اذن ولی (سرپرست) در صحت

**حج کودک:** بر پایه دیدگاه مشروعیت عبادات کودک، مشهور فقهای امامی<sup>۱۰</sup> و اهل سنت<sup>۱۱</sup>، بر آنند که اذن ولی، در صحت حج کودک، شرط است و بدون آن، احرام کودک صحیح نیست؛ زیرا انجام مناسک حج، مستلزم هزینه‌هایی از جمله لباس احرام، کفارات و قربانی<sup>۱۲</sup> است و تصرف در اموال کودک برای حج، مانند دیگر دارایی‌های او، نیازمند اذن ولی است<sup>۱۳</sup> و بدون اذن ولی، احرام کودک منعقد نمی‌شود.<sup>۱۴</sup> برخی فقهای امامی، به استناد نبودن دلیل خاص، اجازه ولی را برای صحت حج کودک شرط نمی‌دانند.<sup>۱۵</sup>

بر آنند که حج\* (حجة الاسلام\*) یا عمره\*، ولو به واسطه نذر، قسم و عهد بر کودک- هر چند مستطیع باشد- واجب نبوده و انجام حج توسط وی، مجزی از حجة الاسلام نخواهد بود. بسیاری از فقهای امامی، به استناد احادیث<sup>۱</sup>، بر آنند که حج یا عمره کودک ممیز، صحیح<sup>۲</sup> و مستحب<sup>۳</sup> است. شماری از آنان، همچنین به استناد احادیث<sup>۴</sup>، حج یا عمره کودک غیر ممیز را نیز صحیح و- برای ولی- مستحب می‌دانند.<sup>۵</sup> برخی فقیهان دیگر، با مناقشه در احادیث مورد استناد مشهور، حج یا عمره کودک را مشروع و صحیح ندانسته<sup>۶</sup> یا عبادات کودک را تمرینی می‌دانند، نه شرعی.<sup>۷</sup> مذاهب چهارگانه اهل سنت، حج کودکان ممیز را، به استناد روایات<sup>۸</sup>

۱. الکافی، ج ۴، ص ۳۰۳؛ تهذیب الاحکام، ج ۵، ص ۶

۲. تذکرة الفقهاء، ج ۷، ص ۲۰؛ مدارك الاحکام، ج ۷، ص ۲۳؛ رياض المسائل، ج ۶، ص ۳۷-۳۸.

۳. منتهی المطلب، ج ۱۰، ص ۵۴؛ جامع المدارك، ج ۲، ص ۲۵۸؛ الحدائق الناضرة الناضرة، ج ۱۴، ص ۶۳-۶۵.

۴. الکافی، ج ۴، ص ۳۰۳.

۵. منتهی المطلب، ج ۱۰، ص ۵۴؛ رياض المسائل، ج ۶، ص ۳۸؛ براهين الحج للفقهاء و الحجج، ج ۱، ص ۳۲-۳۳.

۶. المبسوط فی فقه الاماميه، ج ۱، ص ۳۲۸؛ كتاب الحج، محقق داماد، ج ۱، ص ۱۲۶-۱۲۸.

۷. جامع المقاصد، ج ۳، ص ۱۱۹.

۸. صحیح مسلم، ج ۴، ص ۱۰۱؛ سنن ابن ماجه، ج ۲، ص ۹۷۱.

۹. بدائع الصنائع، ج ۲، ص ۱۶۰؛ المغنی، ج ۳، ص ۲۰۳-۲۰۴؛ مغنی

المحتاج، ج ۱، ص ۴۶۱.

۱۰. الخلاف، ج ۲، ص ۳۵۹؛ تذکرة الفقهاء، ج ۷، ص ۲۶؛ المعتمد، ج ۲، ص ۷۴۷.

۱۱. مواهب الجلیل، ج ۲، ص ۴۳۳.

۱۲. المعتمد، ج ۲۶، ص ۱۸.

۱۳. تذکرة الفقهاء، ج ۷، ص ۲۶؛ المعتمد، ج ۲، ص ۷۴۷.

۱۴. الحاوی فی فقه الشافعی، ج ۴، ص ۲۴۹-۲۵۰؛ المجموع، ج ۷، ص ۲۰-۲۱.

۱۵. مجمع الفائدة و البرهان، ج ۶، ص ۶۸؛ مستند الشیعه، ج ۱۱،

ص ۱۸؛ کتاب الحج، شاهرودی، ج ۱، ص ۳۳.

برخی اهل سنت افزوده‌اند اذن، شرط مشروعیت حج است و در صورت اجازه نگرفتن کودک برای احرام، ولی می‌تواند با رعایت مصلحت، وی را از احرام خارج کند و احرام نیز صحیح است.<sup>۱</sup>

▼ **ولی کودک:** فقهای امامی در حج صبی ممیز، اذن ولی شرعی را لازم دانسته‌اند.<sup>۲</sup> نظر مشهور امامیان آن است که مراد از ولی، در موضوع حج صبی غیر ممیز، ولی شرعی، یعنی پدر، پدربزرگ، وصی یکی از آن دو، حاکم یا امین او یا وکیل یکی از این‌هاست.<sup>۳</sup> ولی برخی بر آنند که غیر از ولی شرعی، هر کس دیگری می‌تواند صبی غیر ممیز را محرم سازد. ولی اگر لازمه آن تصرف در مال کودک باشد، باید از ولی شرعی او اجازه بگیرد.<sup>۴</sup>

برخی از امامیان، به دلیل تبادل ولی در پدر و پدربزرگ، ولی شرعی کودک را تنها پدر و پدر بزرگ او دانسته‌اند.<sup>۵</sup> بسیاری از امامیان،

به استناد نص خاص<sup>۶</sup>، مادر را نیز ولی کودک در حج می‌دانند.<sup>۷</sup> در برابر، برخی از آنان ولایت مادر را در حج کودک جایز نمی‌دانند.<sup>۸</sup>

اهل سنت پدر، پدربزرگ، قاضی و وصی این افراد را از مصادیق ولی شرعی کودک بر شمرده‌اند.<sup>۹</sup> مالکیان، به استناد حدیث نبوی<sup>۱۰</sup>، مادر را نیز با شرایطی از مصادیق ولی بر شمرده‌اند.<sup>۱۱</sup>

◀ **مخارج کودک در سفر حج:** از آن‌جا که تصرف در مال کودک تنها در صورت مصلحت و نفع وی جایز است، فقهای امامی بر آنند که اگر نگه‌داری، تربیت و مصلحت کودک وابسته به سفر حج باشد، مخارج سفر از مال کودک تأمین می‌گردد و اگر ولی کودک، به دلخواه (بدون مصلحت ویژه کودک) کودک را با خود به سفر حج ببرد، به اتفاق همه فقها، هزینه راه برعهده ولی

۶. تهذیب الاحکام، ج ۵، ص ۶-۷؛ وسائل الشیعه، ج ۱۱، ص ۵۵؛

مستند الشیعه، ج ۱۱، ص ۱۶.

۷. المبسوط فی فقه الامامیه، ج ۱، ص ۳۲۹؛ مختلف الشیعه، ج ۴،

ص ۱۵؛ مسالک الافهام، ج ۲، ص ۱۲۶.

۸. ایضاح الفوائد، ج ۱، ص ۲۶۴.

۹. بدائع الصنائع، ج ۲، ص ۷۲؛ المجموع، ج ۱۵، ص ۳۹۷؛ مواهب

الجلیل، ج ۳، ص ۴۴۰.

۱۰. صحیح مسلم، ج ۴، ص ۱۰۱.

۱۱. مواهب الجلیل، ج ۳، ص ۴۳۹-۴۴۰.

۱. حاشیه الخرشی، ج ۳، ص ۹۷.

۲. سند العروه، ج ۱، ص ۴۷.

۳. شرائع الاسلام، ج ۱، ص ۲۲۵؛ العروه الوثقی، ج ۴، ص ۳۴۸؛

معتمد العروه الوثقی، ج ۱، ص ۳۵.

۴. العروه الوثقی، ج ۴، ص ۳۴۸-۳۴۹؛ معتمد العروه الوثقی، ج ۱،

ص ۳۶.

۵. الحدائق الناصره، ج ۱۴، ص ۶۸-۶۹؛ کتاب الحج، قمی، ج ۱،

ص ۴۹-۵۰.

اندازد.<sup>۶</sup> مالکیان نیز گفته‌اند در صورتی که مصلحت کودک در بردن وی به حج است، نفقه مازاد، از مال کودک برداشته می‌شود؛ و گرنه از مال ولی برداشته می‌شود.<sup>۷</sup>

◀ **میقات احرام کودک:** فقهای امامی، به دلیل اطلاق برخی احادیث<sup>۸</sup>، بر آنند که میقات کودکان، با میقات افراد دیگر تفاوتی ندارد.<sup>۹</sup> شماری به استناد احادیث<sup>۱۰</sup> بر آنند که کودکان می‌توانند از منطقه فح<sup>۱۱</sup> (از مناطق مکه) محرم شوند. <sup>۱۱</sup> افزوده شده کودکان می‌توانند با لباس دوخته، از میقات‌های معروفه، محرم شوند. ولی باید در فح<sup>۱۲</sup> لباس احرام بپوشند.<sup>۱۳</sup>

فقهایان اهل سنت، جز مالکیان، به دلیل اطلاق روایات<sup>۱۳</sup> بر آنند که کودکان باید از میقات مکلفین محرم شوند. به نظر مالکیان، کودکان نزدیک به بلوغ از میقات، و کودکان هفت، هشت ساله، به دلیل آن که دوری از

است.<sup>۱</sup> به گفته بسیاری از فقهای امامی هزینه‌های افزون بر مخارج کودک (در حضر) بر عهده ولی است؛<sup>۲</sup> زیرا سرپرست، به دلخواه کودک را وارد مناسک کرده، پس باید غرامت آن را برعهده گیرد.<sup>۳</sup> افزون بر آن، سود (معنوی) حج کودک، به ولی بر می‌گردد. پس هزینه‌های مالی آن نیز باید بر عهده ولی باشد.<sup>۴</sup> اگر کودک، بدون اجازه ولی خود، سفر کند، هزینه راه از دارایی کودک پرداخت می‌شود؛ چون ادله استحباب حج گزاردن کودک، تنها هزینه حج مأذون را برعهده ولی قرار می‌دهد.<sup>۵</sup>

برخی شافعیان و حنبلیان در هزینه سفر مازاد بر هزینه وطن، بر آنند چون نفقه به مصلحت کودک است - مانند اجرت معلم و پزشک - برعهده خود کودک است. ولی عده‌ای دیگر از آنان این هزینه را از مال ولی می‌دانند؛ چراکه ولی زمینه آمدن کودک را به حج فراهم کرده و می‌توانست این سفر را، تا بلوغ کودک، به تأخیر

۶. المغنی، ج ۳، ص ۱۶۵؛ مغنی المحتاج، ج ۱، ص ۴۶۱.  
 ۷. مواهب الجلیل، ج ۳، ص ۴۳۸؛ بلغة السالک، ج ۲، ص ۵.  
 ۸. کافی، ج ۴، ص ۳۱۸.  
 ۹. السرائر، ج ۱، ص ۵۳۷؛ مستند الشیعه، ج ۱۱، ص ۳۳۲-۳۳۳.  
 ۱۰. کافی، ج ۴، ص ۳۰۳؛ من لایحضره الفقیه، ج ۲، ص ۴۳۳.  
 ۱۱. المقنعه، ص ۴۴۲، النهایه، ص ۲۱۶؛ مدارک الاحکام، ج ۷، ص ۲۲۷.  
 ۱۲. المعتمر، ج ۲، ص ۸۰۴؛ تذکرة الفقهاء، ج ۷، ص ۱۹۲؛ منتهی المطلب، ج ۱۰، ص ۵۶.  
 ۱۳. صحیح ابن خزیمه، ج ۴، ص ۱۶۰.

۱. تذکرة الفقهاء، ج ۷، ص ۳۲؛ المعتمد، ج ۲، ص ۲۴-۲۵؛ کتاب الحج، قمی، ج ۱، ص ۵۱-۵۲.  
 ۲. المعتمر، ج ۲، ص ۷۴۸؛ جواهر الفقه، ص ۴۴؛ العروة الوثقی، ج ۴، ص ۳۴۹.  
 ۳. المعتمر، ج ۲، ص ۷۴۸؛ تذکرة الفقهاء، ج ۷، ص ۳۱.  
 ۴. مستمسک العروة الوثقی، ج ۱۰، ص ۲۵.  
 ۵. کتاب الحج، شاهرودی، ج ۱، ص ۴۲.

محرمات برایشان دشوار است، باید از نزدیک حرم محرم شوند.<sup>۱</sup>

◀ **احجاج کودک:** احجاج کودک به معنای محرم کردن و کمک در حج گزاردن کودک غیر ممیز است و مربوط به کودک ممیز نمی‌شود.<sup>۲</sup> برخی فقهای امامی، با توجه به احادیث<sup>۳</sup>، بر آنند که مستحب است احجاج کودک، هنگام افتادن دندان‌های شیری (حدود شش سالگی) باشد. برخی دیگر، با تمسک به اطلاق دیگر احادیث<sup>۴</sup>، سن خاصی را ترجیح نمی‌دهند.<sup>۵</sup> مشهور فقهای امامی، به دلیل احادیث<sup>۶</sup>، احجاج کودک را مستحب دانسته‌اند.<sup>۷</sup> شماری از آنان، به خاطر عدم وجود دلیل، احجاج کودک را مستحب نمی‌دانند.<sup>۸</sup> احجاج به معنای محرم شدن ولی، به نیابت از بچه نیست.<sup>۹</sup> بلکه به نظر مشهور امامیان، به استناد

احادیث<sup>۱۰</sup>، بدین معناست که کودک غیر ممیز، به اندازه توانایی در انجام مناسک، گرچه با تلقین و راهنمایی، کارها را انجام دهد و در صورت ناتوانی، سرپرست کودک به جای وی انجام دهد.<sup>۱۱</sup> سرپرست به جای کودک نیست می‌کند.<sup>۱۲</sup> کودک خود تلبیه به زبان می‌آورد. سرپرست او را طواف می‌دهد.<sup>۱۳</sup>

فقهای شافعی، مالکی و حنبلی، به استناد روایت جابر از پیامبر ﷺ<sup>۱۴</sup> احجاج کودک (غیر ممیز) را جایز دانسته و قائلند هر مقدار از اعمال حج که کودک می‌تواند، خود انجام دهد؛ و گرنه ولی انجام می‌دهد.<sup>۱۵</sup> اما حنفیان احجاج کودک غیر ممیز را صحیح ندانسته‌اند.<sup>۱۶</sup> بنا به نظر فقهای امامی<sup>۱۷</sup> و اهل سنت<sup>۱۸</sup>، در احجاج کودک، محرم بودن ولی شرط نیست.

۱۰. من لا یحضره الفقیه، ج ۲، ص ۴۳۳؛ تهذیب الاحکام، ج ۵، ص ۴۰۹.  
 ۱۱. المبسوط فی فقه الامامیه، ج ۱، ص ۳۱۳؛ الدروس الشرعیه، ج ۱، ص ۳۰۷؛ مستمسک العروة الوثقی، ج ۱۰، ص ۲۳، ۲۶.  
 ۱۲. الدروس الشرعیه، ج ۱، ص ۳۰۷.  
 ۱۳. تحریر الوسیله، ج ۱، ص ۳۷۱.  
 ۱۴. سنن ابن ماجه، ج ۲، ص ۹۷۱.  
 ۱۵. المغنی، ج ۲، ص ۲۰۳؛ المجموع، ج ۷، ص ۲۲-۲۳؛ مواهب الجلیل، ج ۳، ص ۴۳۵.  
 ۱۶. بدائع الصنائع، ج ۲، ص ۱۶۰؛ حاشیه رد المحتار، ج ۲، ص ۶۶۱.  
 ۱۷. جواهر الکلام، ج ۱۷، ص ۲۳۶.  
 ۱۸. المدونه الكبرى، ج ۱، ص ۳۶۸؛ المبسوط، سرخسی، ج ۴، ص ۶۹، ۱۳۰؛ المغنی، ج ۳، ص ۲۵۷.

۱. المدونه الكبرى، ج ۱، ص ۳۶۷؛ مواهب الجلیل، ج ۳، ص ۴۲۹.  
 ۲. التهایه، ج ۱۶؛ القواعد الفقهیه، ج ۱، ص ۴۰۲.  
 ۳. الکافی، ج ۴، ص ۲۷۶.  
 ۴. الکافی، ج ۴، ص ۳۰۱.  
 ۵. کتاب الحج، شاهرودی، ج ۱، ص ۳۶؛ کتاب الحج، وحید خراسانی، ج ۱، ص ۲۰۶.  
 ۶. الکافی، ج ۴، ص ۳۰۱.  
 ۷. المعتمد، ج ۲، ص ۷۴۷؛ الدروس الشرعیه، ج ۱، ص ۳۰۶؛ جواهر الکلام، ج ۱۷، ص ۲۲۵.  
 ۸. مدارک الاحکام، ج ۷، ص ۲۳-۲۶؛ الحدائق الناضره، ج ۱۴، ص ۶۵؛ ریاض المسائل، ج ۶، ص ۳۸-۳۹.  
 ۹. العروة الوثقی، ج ۴، ص ۳۷۴.

است. پس تاوان کارهای وی را باید بپردازد.<sup>۱۰</sup> عده‌ای دیگر بر آنند که این کفاره باید از مال کودک پرداخت گردد؛ زیرا ادله نفی کفاره از کودک، مربوط به دیات است و کفارات احرام را در بر نمی‌گیرد.<sup>۱۱</sup> حنفیان<sup>۱۲</sup> و معدودی از امامیان<sup>۱۳</sup>، به استناد عدم تکلیف کودک و احادیث<sup>۱۴</sup>، قائلند کفاره نه بر کودک و نه بر ولی، لازم نیست. فقیهان امامی، به استناد اطلاق احادیث<sup>۱۵</sup>، بر آنند که تحریم ازدواج در حال احرام، کودک را نیز دربرمی‌گیرد و نکاح کودک نیز باطل است.<sup>۱۶</sup>

بیشتر فقیهان امامی، کفاره ارتکاب محرمات احرام کودکی که بدون اذن ولی، محرم شده را از عهده ولی و کودک ساقط دانسته‌اند. ولی شافعیان و برخی امامیان، پرداخت کفاره را از مال کودک و شماری از امامیان، بر عهده ولی دانسته‌اند.<sup>۱۷</sup>

۱۰. کشف اللثام، ج ۵، ص ۸۰؛ کتاب الحج، شاهرودی، ج ۱، ص ۴۵.
۱۱. جامع المدارک، ج ۲، ص ۲۵۹؛ موسوعة الامام الخویی، ج ۲۶، ص ۳۰.
۱۲. حاشیة رد المحتار، ج ۲، ص ۶۱۴؛ احکام الصغار، ص ۳۵.
۱۳. السرائر، ج ۱، ص ۶۳۶-۶۳۷.
۱۴. تهذیب الاحکام، ج ۱۰، ص ۲۳۲.
۱۵. من لایحضره الفقیه، ج ۲، ص ۴۳۳.
۱۶. المقنن، ص ۲۴۰-۲۴۱؛ منتهی المطلب، ج ۱۰، ص ۵۷؛ مستمسک العروة الوثقی، ج ۱۴، ص ۴۸۴.
۱۷. المهذب فی فقه الشافعی، ج ۱، ص ۳۵۹؛ معنی المحتاج، ج ۱، ص ۴۶۱؛ مناسک حج محشی، ص ۹۹.

#### ◀ محرمات احرام کودک: به نظر

مشهور فقهای امامی به استناد احادیث<sup>۱</sup> کودکان نیز باید از محرمات احرام، مانند ازدواج و شکار<sup>۲</sup>، پرهیز کنند. ولی استتلال (زیر سایه حرکت کردن) برای کودکان جایز است.<sup>۳</sup> مشهور امامیان<sup>۴</sup> و حنبلیان<sup>۵</sup>، به استناد احادیث<sup>۶</sup>، کفاره انجام محرماتی مانند شکار کردن کودک را - که فرقی بین عمد و خطای آن نیست - بر عهده سرپرست کودک دانسته‌اند. شماری به دلیل اقدام خود کودک بر شکار، کفاره شکار را بر عهده خود کودک می‌دانند.<sup>۸</sup>

به نظر شماری از فقها، کفاره انجام عمدی سایر محظورات احرام، بر عهده سرپرست کودک است؛ زیرا او مسبب حج کودک

۱. الکافی، ج ۴، ص ۳۰۴.
۲. المبسوط فی فقه الامامیه، ج ۱، ص ۳۲۹؛ السرائر، ج ۱، ص ۶۳۶؛ المعتمر، ج ۲، ص ۷۴۸.
۳. تذکرة الفقهاء، ج ۷، ص ۳۲؛ مسالک الافهام، ج ۲، ص ۱۲۵-۱۲۶.
۴. تذکرة الفقهاء، ج ۷، ص ۳۴۴؛ الجامع للشرائع، ص ۱۸۷؛ مستند الشیعه، ج ۱۲، ص ۳۳.
۵. مختلف الشیعه، ج ۴، ص ۳۳۵؛ العروة الوثقی، ج ۴، ص ۳۴۹؛ مستمسک العروة الوثقی، ج ۱۰، ص ۲۶.
۶. الکافی فی فقه احمد، ج ۱، ص ۴۶۸؛ المغنی، ج ۳، ص ۲۰۵.
۷. الکافی، ج ۴، ص ۳۰۳.
۸. تذکرة الفقهاء، ج ۷، ص ۳۲-۳۳؛ المعتمد، ج ۲۶، ص ۲۹.
۹. الکافی فی الفقه، ص ۲۰۴-۲۰۵؛ النهایه، ص ۲۲۹؛ قواعد الاحکام، ج ۱، ص ۴۰۲.

شافعیان بر آنند که بر کودک غیر ممیز کفاره‌ای واجب نمی‌شود.<sup>۱</sup> شماری از حنبلیان، کفاره انجام محرمات را توسط کودک، بر خود کودک<sup>۲</sup>، ولی شمار دیگری از آنان<sup>۳</sup> و مالکیان، بر سرپرست وی واجب می‌دانند.<sup>۴</sup>

◀ **طواف کودک:** در فقه امامی، در مورد طهارت در طواف کودک غیر ممیز، چند نظر مطرح شده است؛ از جمله اعتبار طهارت ولی و کودک (وضو گرفتن ولی و وضو دادن کودک)<sup>۵</sup>، کفایت طهارت ولی<sup>۶</sup>، اعتبار طهارت کودک در صورت توانایی انجام اعمال وضو - ولو به طور صوری<sup>۷</sup> - عدم اعتبار طهارت هیچ یک از ولی و کودک - در صورت عدم توانایی کودک بر انجام وضو، به دلیل تمرینی بودن عبادت کودک و عدم وجود دلیل برای طهارت ولی -<sup>۸</sup>

حنبلیان، مالکیان و حنفیان، به دلیل وجود

سختی و حرج، طهارت از حدث را در طواف، برای کودک غیر ممیز، معتبر نمی‌دانند.<sup>۹</sup> لزوم طهارت ولی در طواف کودک، مورد اتفاق همه شافعیان و لزوم طهارت کودک در طواف، نظر برخی از ایشان است.<sup>۱۰</sup>

بسیاری از فقیهان امامی، به استناد احادیث<sup>۱۱</sup>، ختان را شرط صحت طواف کودکان شمرده‌اند.<sup>۱۲</sup> برخی از ایشان، به استناد نبود دلیل استوار، ختنه را شرط صحت طواف کودکان نمی‌دانند.<sup>۱۳</sup> برخی فقیهان معاصر امامی بر آنند که اگر کودک ممیز، خود محرم شود، باید ختنه باشد. ولی ختان کودک غیر ممیزی که دیگری او را محرم می‌کند، لازم نیست.<sup>۱۴</sup> برخی ختان را در طواف کودک ممیز شرط دانسته و گفته‌اند مقابله بین مرد و زن در روایات، گرچه ظهور در تعمیم همه افراد ذکور دارد، نمی‌توان آن را شامل غیر ممیز دانست؛ چون افرادی که خود طواف می‌کنند، مأمور به

۱. المذهب فی فقه الشافعی، ج ۱، ص ۳۵۹؛ مغنی المحتاج، ج ۱، ص ۴۶۱.

۲. المغنی، ج ۵، ص ۳۲۰؛ الکافی فی فقه احمد، ج ۱، ص ۴۶۸.

۳. کشف القناع، ج ۲، ص ۴۴۳، ۴۴۴.

۴. المدونة الكبرى، ج ۱، ص ۴۲۵؛ مواهب الجلیل، ج ۲، ص ۴۴۰.

۵. تذكرة الفقهاء، ج ۷، ص ۳۰؛ الدرر السعید، ج ۱، ص ۳۰۷.

۶. مدارک الاحکام، ج ۷، ص ۲۵؛ جواهر الکلام، ج ۱۷، ص ۲۳۷.

۷. العروة الوثقی، ج ۴، ص ۳۴۷؛ مستمسک العروة الوثقی، ج ۱۰، ص ۲۲؛ مذهب الاحکام، ج ۱۲، ص ۲۹.

۸. جامع المدارک، ج ۲، ص ۲۵۸؛ معتمد العروة الوثقی، ج ۱، ص ۳۴.

۹. بدائع الصنائع، ج ۲، ص ۲۱۹؛ مواهب الجلیل، ج ۳، ص ۴۳۷؛

کشف القناع، ج ۲، ص ۵۶۴.

۱۰. الحاوی الكبير، ج ۴، ص ۲۰۹؛ مغنی المحتاج، ج ۱، ص ۴۶۱.

۱۱. تهذیب الاحکام، ج ۵، ص ۱۲۶.

۱۲. جامع المقاصد، ج ۳، ص ۱۸۹؛ مدارک الاحکام، ج ۸، ص ۱۱۸؛

جواهر الکلام، ج ۱۹، ص ۲۷۴.

۱۳. ریاض المسائل، ج ۶، ص ۵۲۵-۵۲۶؛ کشف اللثام، ج ۵،

ص ۵۱۲؛ مستند الشیعه، ج ۱۲، ص ۵۶-۵۵.

۱۴. آراء المراجع فی الحج، ج ۱، ص ۳۴۵.

فقه‌های امامی<sup>۹</sup>، شافعیان<sup>۱۰</sup> و شماری از مالکیان<sup>۱۱</sup> و حنبلیان<sup>۱۲</sup>، به استناد احادیث<sup>۱۳</sup>، بر آنند که جایز است فرد طواف دهنده، برای خود نیز نیت طواف کند. اما برخی از حنبلیان<sup>۱۴</sup> و مالکیان<sup>۱۵</sup> قائلند که در این صورت، تنها یک طواف، آن هم از جانب کودک، واقع می‌شود. شافعیان<sup>۱۶</sup> و مالکیان<sup>۱۷</sup> قائلند طواف دهنده باید طواف واجب خود را قبلاً انجام داده باشد. ولی حنبلیان این شرط را قبول ندارند.<sup>۱۸</sup> به اتفاق فقه‌های امامی<sup>۱۹</sup> و شافعی<sup>۲۰</sup>، کودک در صورت توانایی باید خود نماز طواف را به جای آورد و در صورت ناتوانی، به دلیل

۹. المبسوط فی فقه الامامیه، ج ۱، ص ۳۲۹؛ تذکره الفقهاء، ج ۷، ص ۳۱؛ جواهر الکلام، ج ۱۸، ص ۱۸۸.
۱۰. الحاوی الکبیر، ج ۴، ص ۲۰۹؛ حواشی الشروانی، ج ۴، ص ۶.
۱۱. المدونة الكبرى، ج ۱، ص ۳۶۷؛ مواهب الجلیل، ج ۴، ص ۲۰۱.
۱۲. الشرح الکبیر، ابن قدامه، ج ۳، ص ۱۶۴؛ الانصاف، ج ۳، ص ۲۵۴.
۱۳. الکافی، ج ۴، ص ۴۲۹؛ من لایحضره الفقیه، ج ۲، ص ۴۱۰.
۱۴. کشف القناع، ج ۲، ص ۴۴۳.
۱۵. مواهب الجلیل، ج ۴، ص ۲۰۱؛ حاشیه الدسوقی، ج ۷، ص ۵۴.
۱۶. فتح العزیز، ج ۷، ص ۳۳۹-۳۴۰؛ حواشی الشروانی، ج ۴، ص ۷.
۱۷. المدونة الكبرى، ج ۱، ص ۳۶۷، ۴۲۴.
۱۸. المغنی، ج ۳، ص ۲۰۴-۲۰۵؛ کشف القناع، ج ۲، ص ۴۴۳.
۱۹. المبسوط فی فقه الامامیه، ج ۱، ص ۳۲۹؛ تذکره الفقهاء، ج ۷، ص ۳۱؛ العروة الوثقی، ج ۴، ص ۳۴۷.
۲۰. المجموع، ج ۷، ص ۴۹؛ مغنی المحتاج، ج ۱، ص ۴۶۱؛ الحاوی الکبیر، ج ۴، ص ۲۰۹.

ختان‌اند. در حالی که کودک غیر ممیز مأمور به طواف نیست و سرپرست مأمور به آن است.<sup>۱</sup> مذاهب اهل سنت ختان را شرط صحت طواف نمی‌دانند.<sup>۲</sup> مشهور فقه‌های امامی<sup>۳</sup> و شافعیان<sup>۴</sup>، قائلند اگر سرپرست کودک غیر ممیز وی را برای طواف بر مرکب سوار کند، باید هدایت مرکب را برعهده گیرد؛ چون کودک غیر ممیز، توان هدایت صحیح مرکب را در حال طواف ندارد. مشهور امامیان، به استناد احادیث<sup>۵</sup>، بر آنند که سرپرست کودک می‌تواند برای وی نایب بگیرد.<sup>۶</sup> در صورت عدم توانایی کودک برای طواف، به استناد احادیث<sup>۷</sup>، سرپرست کودک باید او را بر دوش گرفته و طواف دهد یا برای وی نایب بگیرد. در هنگام طواف باید شانه چپ کودک به طرف کعبه باشد و کودک در حال طواف بیدار باشد.<sup>۸</sup>

۱. موسوعة الامام الخویی، ج ۲۹، ص ۲۶.
۲. بدائع الصنائع، ج ۲، ص ۱۲۸-۱۳۱؛ نک: فتح العزیز، ج ۷، ص ۲۸۵-۳۰۴.
۳. تذکره الفقهاء، ج ۷، ص ۳۱؛ الدروس الشرعیه، ج ۱، ص ۳۰۷.
۴. المجموع، ج ۷، ص ۲۹؛ مغنی المحتاج، ج ۱، ص ۴۶۱؛ حواشی الشروانی، ج ۴، ص ۶.
۵. تهذیب الاحکام، ج ۵، ص ۴۱۰.
۶. ذخیره المعاد، ص ۵۵۸؛ منتهی المطلب، ج ۱۰، ص ۵۶.
۷. الکافی، ج ۴، ص ۳۰۳.
۸. تذکره الفقهاء، ج ۷، ص ۳۰؛ کشف اللثام، ج ۵، ص ۷۸.



احادیث<sup>۱</sup>، سرپرست از جانب وی نماز می‌خواند.

#### ◀ وقوف کودک در مزدلفه: مقدار

واجب وقوف در مشعر الحرام از طلوع فجر تا طلوع آفتاب روز دهم ذی‌حجه است. ولی به نظر فقهای امامی<sup>۲</sup> و اهل سنت<sup>۳</sup>، به استناد احادیث<sup>۴</sup>، برای کودکان حج گزار جایز است که قبل از طلوع فجر از مشعر به منا حرکت کنند.

#### ◀ رمی جمرات: فقهای امامی<sup>۵</sup> و اهل

سنت<sup>۶</sup> بر آنند که کودکان، در صورت توانایی بر رمی جمرات، رمی می‌کنند و اگر نتوانند، ولی از جانب آنان رمی می‌کند. فقیهان امامی<sup>۷</sup> و شافعی<sup>۸</sup>، به دلیل احادیث<sup>۹</sup>، بر آنند که مستحب است ولی سنگریزه رمی را در دست

کودک قرار دهد، سپس آن را بردارد و پرتاب کند. آنان همچنین گذاشتن سنگریزه در دست کودک و پرتاب آن، به طوری که دست کودک وسیله پرتاب سنگریزه قرار گیرد، مستحب دانسته‌اند.<sup>۱۰</sup> امامیان، با توجه به اطلاق احادیث، بر آنند که تفاوتی ندارد ولی رمی کرده باشد یا نه.<sup>۱۱</sup>

#### ◀ قربانی حج کودکان: به نظر مشهور

فقهای امامی، به استناد احادیث<sup>۱۲</sup>، قربانی یا بدل آن- در صورت عجز کودک- در حج کودک ممیز<sup>۱۳</sup> و غیر ممیز<sup>۱۴</sup>، بر عهده ولی است. اما اگر کودک، بدون اجازه ولی، محرم شود، قربانی بر عهده ولی نخواهد بود؛ زیرا دلیلی برای آن وجود ندارد.<sup>۱۵</sup>

مالکیان بر آنند که بهای قربانی کودک بر عهده ولی اوست؛ زیرا وی بر محرم کردن کودک اقدام کرده، در حالی که ضرورتی بر

۱۰. المجموع، ج ۷، ص ۲۹؛ منتهی المطلب، ج ۱۰، ص ۵۶؛ جواهر الکلام، ج ۱۷، ص ۲۳۷.
۱۱. مهذب الاحکام، ج ۱۲، ص ۲۹؛ مستمسک العروة الوثقی، ج ۱۰، ص ۲۳؛ العروة الوثقی، ج ۴، ص ۳۴۸.
۱۲. الکافی، ج ۴، ص ۳۰۴.
۱۳. المعتمد، ج ۲، ص ۷۴۸؛ جواهر الکلام، ج ۱۸، ص ۲۶۰؛ موسوعة الامام الخوئی، ج ۲۶، ص ۲۸.
۱۴. النهایه، ص ۲۱۶؛ کشف الشام، ج ۵، ص ۸۲؛ جواهر الکلام، ج ۱۸، ص ۴۵، ۲۶۰.
۱۵. صراط النجاة، ج ۴، ص ۹؛ کتاب الحج، شاهرودی، ج ۱، ص ۴۲.

۱. الکافی، ج ۴، ص ۳۰۳.
۲. مسالک الافهام، ج ۲، ص ۲۸۵؛ نک: مدارک الاحکام، ج ۷، ص ۴۲۷؛ ریاض المسائل، ج ۷، ص ۷۳.
۳. المغنی، ج ۳، ص ۴۴۲-۴۴۳؛ المجموع، ج ۷، ص ۲۳-۲۴، ج ۸، ص ۱۴۰.
۴. صحیح البخاری، ج ۲، ص ۲۱۸؛ الکافی، ج ۴، ص ۴۷۴.
۵. المبسوط فی فقه الامامیه، ج ۱، ص ۳۲۹؛ جواهر الکلام، ج ۱۷، ص ۲۳۷؛ مستمسک العروة الوثقی، ج ۱۰، ص ۲۳.
۶. المجموع، ج ۷، ص ۲۳؛ مغنی المحتاج، ج ۱، ص ۴۶۱.
۷. المبسوط فی فقه الامامیه، ج ۱، ص ۳۲۹؛ قواعد الاحکام، ج ۱، ص ۴۰۲؛ تذکره الفقهاء، ج ۷، ص ۳۰.
۸. مختصر المزنی، ص ۶۹؛ المجموع، ج ۷، ص ۲۹.
۹. من لایحضره الفقیه، ج ۲، ص ۴۷۶.

مانند بوسیدن و لمس شهوانی، از احکام تکلیفی محض است و این حرمت از آغاز برای کودکان ثابت نیست تا با انجام طواف نساء از آنان برداشته شود. از این رو حج احرام گزار نابالغ، در صورت همبستری با زن صحیح است و زن بر وی حرام نمی‌شود.<sup>۷</sup> نظر دیگری بر آن است که ترک طواف نساء، برای کودک غیر ممیز، از سوی ولی حرام نیست. اما برای کودک ممیز جایز نیست.<sup>۸</sup> طواف نساء در فقه اهل سنت از واجبات حج یا عمره به شمار نیامده است. (← طواف نساء<sup>۹</sup>)

◀ **فساد حج کودک:** اگر کودک احرام گزار در حج یا عمره مرتکب آمیزش جنسی شود، شماری از امامیان<sup>۱۰</sup> و شافعیان<sup>۱۱</sup>، به اقتضای برخی احادیث<sup>۱۲</sup>، حج کودک را صحیح می‌دانند. در برابر، بعضی از امامیان<sup>۱۳</sup>، شافعیان<sup>۱۴</sup> و حنبلیان<sup>۱۵</sup>، با استناد به ادله‌ای، از

محرم کردن وی نبوده است.<sup>۱</sup>

◀ **طواف نساء:** به نظر بیشتر فقهای امامی، با توجه به اطلاق احادیث<sup>۲</sup>، در صورت صحت محرم کردن کودک غیر ممیز باید طواف نساء را - جز در عمره تمتع که واجب نیست<sup>۳</sup> - خود کودک و در صورت ناتوانی، ولی وی انجام دهد.<sup>۴</sup> برخی از فقها بر آنند اگر در حج کودک، طواف نساء انجام نشود، چه ممیز باشد چه نباشد، زن بر وی حلال نمی‌شود. کودک باید طواف نساء را قضا کند، و گرنه پیش از بلوغ، از تمتع جنسی باز داشته می‌شود و پس از بلوغ نیز نکاح بر وی، بدون این طواف، حلال نمی‌شود؛<sup>۵</sup> زیرا احرام آثار وضعی دارد و احکام وضعی، ویژه مکلفین نیست. بلکه کودکان را نیز در بر می‌گیرد و حدیث رفع قلم نیز شامل احکام وضعی نمی‌شود.<sup>۶</sup>

دیدگاه دیگر آن است که اصل احرام از احکام وضعی است. ولی حرمت زن بر مرد،

۱. المدونة الكبرى، ج ۱، ص ۴۲۴-۴۲۵؛ مواهب الجلیل، ج ۳، ص ۴۴۰.  
 ۲. وسائل الشیعه، ج ۱۳، ص ۲۹۸-۳۰۰.  
 ۳. ریاض المسائل، ج ۷، ص ۸۳.  
 ۴. المبسوط فی فقه الامامیه، ج ۱، ص ۳۶۰؛ شرائع الاسلام، ج ۱، ص ۲۰۳-۲۰۴؛ جواهر الکلام، ج ۱۹، ص ۲۶۱.  
 ۵. تذکره الفقهاء، ج ۸، ص ۳۵۳؛ الدرر الشریعه، ج ۱، ص ۴۰۴.  
 ۶. جواهر الکلام، ج ۱۹، ص ۲۶۰؛ کنف اللثام، ج ۶، ص ۲۲۸.  
 ۷. موسوعة الامام الخویی، ج ۲۹، ص ۳۶۲.  
 ۸. قواعد الاحکام، ج ۱، ص ۴۴۵؛ جامع المقاصد، ج ۳، ص ۲۶۰.  
 ۹. المبسوط فی فقه الامامیه، ج ۱، ص ۳۲۹؛ تذکره الفقهاء، ج ۷، ص ۳۵.  
 ۱۰. العزیز شرح الوجیز، ج ۳، ص ۴۵۲؛ المجموع، ج ۷، ص ۴۰۳-۴۰۴.  
 ۱۱. تهذیب الاحکام، ج ۱۰، ص ۲۳۳-۲۳۴.  
 ۱۲. قواعد الاحکام، ج ۱، ص ۴۰۲؛ جواهر الکلام، ج ۱۸، ص ۲۵۷.  
 ۱۳. المجموع، ج ۷، ص ۴۰۳-۴۰۴.  
 ۱۴. الشرح الکبیر، ابن قدامه، ج ۳، ص ۱۶۵.

جمله اطلاق احادیث<sup>۱</sup>، حج کودک را فاسد و قضای آن را واجب می‌دانند. برخی نیز بر آنند که با آمیزش کودک در احرام، حج وی فاسد و کفاره واجب می‌شود. ولی قضای حج واجب نیست.<sup>۲</sup> برخی امامیان<sup>۳</sup> و شافعیان<sup>۴</sup> هزینه حج قضا را بر عهده سرپرست کودک و برخی با استناد به عمومات اخبار، بر عهده خود کودک دانسته‌اند.

در فقه شافعی و حنبلی آمده است: «حج فاسد باید قضا گردد چون احرامش درست انجام شده؛ مانند حج مستحبی بالغ و کسی که کفاره بر او لازم می‌آید حج را نیز باید اعاده کند».<sup>۵</sup>

در فقه امامی<sup>۶</sup>، مالکی<sup>۷</sup> و حنبلی<sup>۸</sup>، زمان انجام قضای حج فاسد شده کودک، پس از زمان بلوغ وی، است؛ چون افساد، موجب قضای حج است و امر قضا خطاب به مکلف

است و کودک نیز پس از بلوغ، مکلف می‌شود. ولی در فقه شافعی، برخی قضا را مقید به پس از بلوغ و برخی مطلق دانسته‌اند.<sup>۹</sup> بیشتر فقهای امامی<sup>۱۰</sup> و شافعی<sup>۱۱</sup> بر آنند که اگر کودکی که حجش فاسد شده، پس از بلوغ مستطیع شود، حجة الاسلام را باید بر حج قضا پیش دارد و اگر برای حج قضا محرم شود، احرامش برای حجة الاسلام منعقد می‌شود<sup>۱۲</sup>؛ زیرا حجة الاسلام، به اصل شریعت، بر مردم ثابت شده و در آغاز بلوغ، پیش از هر چیز دیگر، بر عهده وی قرار گرفته است. پس بر حج قضا پیش داشته می‌شود.

در فقه امامی و شافعی آمده است: «اگر کودک حج خود را فاسد کرد یا اعمال حج را ناتمام رها کند، باید مناسکش را تمام کرده و قضای حج را به جا آورد».<sup>۱۳</sup>

حنفیان بر آنند که اگر کودک، پیش از وقوف به عرفات، با آمیزش حج خود را فاسد کند، نه کفاره دارد و نه قضا و کودک چون

۹. المذهب فی فقه الشافعی، ج ۱، ص ۲۱۵؛ المجموع، ج ۷، ص ۴۰۳-۴۰۴.  
 ۱۰. المبسوط فی فقه الامامیه، ج ۱، ص ۳۲۷؛ جواهر الکلام، ج ۱۸، ص ۲۵۸؛ جامع المقاصد، ج ۳، ص ۱۲۱.  
 ۱۱. روضة الطالبین، ج ۲، ص ۳۹۸؛ المجموع، ج ۷، ص ۳۷.  
 ۱۲. الخلاف، ج ۲، ص ۳۶۲.  
 ۱۳. الحاوی الکبیر، ج ۴، ص ۲۴۸؛ صراط النجاه، ج ۴، ص ۹-۱۰.

۱. تهذیب الاحکام، ج ۵، ص ۶.  
 ۲. الخلاف، ج ۲، ص ۱۶۱-۳۶۲؛ جواهر الفقه، ص ۴۵.  
 ۳. قواعد الاحکام، ج ۱، ص ۴۰۲؛ الدرر الشریعیه، ج ۱، ص ۳۰۷؛ جواهر الکلام، ج ۱۸، ص ۲۵۷.  
 ۴. الحاوی الکبیر، ج ۴، ص ۲۴۴-۲۴۵؛ المجموع، ج ۷، ص ۲۶.  
 ۵. الشرح الکبیر، ابن قدامه، ج ۳، ص ۱۶۵؛ الحاوی الکبیر، ج ۴، ص ۲۴۴-۲۴۵.  
 ۶. جواهر الکلام، ج ۱۸، ص ۲۵۷.  
 ۷. العزیز شرح الوجیز، ج ۳، ص ۴۵۳.  
 ۸. الکافی فی فقه احمد، ج ۱، ص ۴۶۸.

حج گزار مأمور به حجة الاسلام نبوده و گمان اشتباه، ایجاد تکلیف نمی کند.<sup>۸</sup>

#### ▼ بلوغ کودک پیش از رسیدن به

**میقات:** امامیان بر آنند اگر کودک، پیش از رسیدن به میقات، بالغ و مستطیع گردد یا به نظر برخی، در میقات مستطیع شود<sup>۹</sup>، می تواند حجة الاسلام انجام دهد. مستند این فتوا عموماً وجوب حج است که شامل چنین حج گزار است.<sup>۱۰</sup>

#### ▼ بلوغ کودک پس از احرام و پیش از

**آغاز اعمال:** برخی از فقهای امامی گفته اند در این صورت، کودک باید به میقات برگردد و احرام را از سر گیرد؛ چون نیت حج ندیبی به حجة الاسلام بر نمی گردد و حج وی، استحبابی نیز نیست و بلوغ کودک پس از احرام، حجة الاسلام وی را تصحیح نمی کند.<sup>۱۱</sup>

#### ▼ بلوغ کودک پیش از مشعر: مشهور

فقهای شیعه بر آنند حج کودک که پیش از مشعر بالغ شود، از حجة الاسلام کفایت

مکلف نیست، ضرورتی ندارد که بر احرام خود باقی باشد.<sup>۱</sup> مشقت و حرج نیز از دیگر دلایل عدم وجوب قضای حج نزد حنفیان است.<sup>۲</sup>

#### ◀ بلوغ کودک هنگام انجام مناسک:

اگر کودک به اعتقاد آن که بالغ نیست حج مستحبی به جای آورد و سپس روشن شود بالغ شده است، شماری از فقهای امامی گفته اند این حج مجزی از حجة الاسلام نیست.<sup>۳</sup> دلیل آن اختلاف ماهوی حجة الاسلام و حج مستحبی است. بسان مغایرت نماز صبح و نماز نافله که هر یک دارای عنوان ویژه و در فقدان آن، قصد محقق نشده است.<sup>۴</sup> ولی عده ای از فقها گفته اند مجزی است؛<sup>۵</sup> چون ماهیت حج مستحب و واجب مغایرت ندارد و حج مستحبی، در نظر مشرعه، همان حج واجب است.<sup>۶</sup>

فقهای امامی گفته اند اگر حج گزار نابالغ، به گمان رسیدن به بلوغ، قصد حجة الاسلام کند، از حجة الاسلام مجزی نیست؛<sup>۷</sup> چون

۱. حاشیه رد المحتار، ج ۲، ص ۵۹۸؛ منابع الفقهیه، ج ۷، ص ۱۲۷.
۲. احکام الصغار، ص ۳۳.
۳. العروة الوثقی، ج ۴، ص ۳۵۲؛ مناسک حج محشی، ص ۲۴.
۴. موسوعة الامام الخوئی، ج ۲۶، ص ۳۶-۳۷.
۵. العروة الوثقی، ج ۴، ص ۳۵۲؛ مهذب الحکام، ج ۱۲، ص ۳۷؛ مناسک حج محشی، ص ۲۴.
۶. مصباح الهدی، ج ۱۲، ص ۳۷.
۷. مستمسک العروة الوثقی، ج ۱۰، ص ۱۷۴؛ تحریر الوسیله، ج ۱، ص ۳۵۹؛ مهذب الاحکام، ج ۱۰، ص ۱۲، ۱۱۳.

۸. موسوعة الامام الخوئی، ج ۲۶، ص ۱۷۴.
۹. تحریر الوسیله، ج ۱، ص ۳۷۲؛ تفصیل الشریعه فی شرح تحریر الوسیله (کتاب الحج)، ج ۱، ص ۷۱.
۱۰. مستمسک العروة الوثقی، ج ۱۰، ص ۳۲؛ موسوعة الامام الخوئی، ج ۲۶، ص ۳۶.
۱۱. موسوعة الامام الخوئی، ج ۲۶، ص ۳۶؛ مناسک جامع حج، ص ۲۹.

می‌کند.<sup>۱</sup> شماری دیگر از فقها، با مناقشه در دلایل گروه مقابل<sup>۲</sup> چنین حجی را مجزی از حجة الاسلام نمی‌دانند.<sup>۳</sup> برخی، به استناد احادیث، درک اختیاری مشعر را مجزی دانسته‌اند.<sup>۴</sup> برخی، به استناد اطلاقات روایات درباره عبد و دیگر افراد محجور، در صورت درک و قوف اختیاری مشعر، حج او را تمام و مجزی شمرده‌اند.<sup>۵</sup> (حج محجوران)

فقیهان امامی بر آنند که اگر کودک، پیش از گذشت وقت و قوف مشعر بالغ شود، اگر و قوف به عرفات و مشعر را اعاده کند، حجة الاسلام را انجام داده است.<sup>۷</sup> در غیر این صورت، حج وی استحبایی بوده و حجة الاسلام به شمار نمی‌رود؛<sup>۸</sup> زیرا بخش

مهم اعمال در زمان کودکی انجام شده است.<sup>۹</sup> تجدید نیت: در صورت اجزای حج کودک نوبالغ از حجة الاسلام پیش از مشعر، برخی فقهای امامی، به دلیل تکمیل عمل با نیت، به لزوم تجدید نیت<sup>۱۰</sup> و برخی به عدم لزوم آن<sup>۱۱</sup> قائل هستند.

حنفیان بر آنند اگر کودک، در وسط اعمال، بالغ شد، باید بر همان احرام نخست اعمال را به پایان رساند و از حجة الاسلام کفایت نمی‌کند، چون احرام وی بر حج مستحبی بسته شده و برای ادای واجب نبوده است.<sup>۱۲</sup> برخی از حنفیان گفته‌اند اگر کودک، پیش از وقوف به عرفه، به میقات برگردد و تلبیه را دوباره به نیت حجة الاسلام تجدید کند، از حجة الاسلام کفایت می‌کند.<sup>۱۳</sup> مالکیان بر آنند باید بر همان نیت نخست باقی باشد؛ نه احرام اول از میان می‌رود و نه مستحب به واجب تبدیل می‌شود و نمی‌تواند در حین احرام دوباره احرام بیند.<sup>۱۴</sup>

۱. المبسوط فی فقه الامامیه، ج ۱، ص ۳۲۸؛ مسالک الافهام، ج ۲، ص ۱۲۳؛ کنش الغطاء، ج ۴، ص ۴۷۴.
۲. جواهر الکلام، ج ۱۸، ص ۳۳؛ موسوعة الامام الخویی، ج ۲۶، ص ۳۲.
۳. الجامع للشرائع، ص ۱۷۳؛ مستند الشیعه، ج ۱۱، ص ۲۱-۲۰؛ الحدائق الناضرة، ج ۱۴، ص ۶۱-۶۲.
۴. العروة الوثقی، ج ۴، ص ۳۴۵؛ مستمسک العروة الوثقی، ج ۱۰، ص ۵۳.
۵. تفصیل الشریعه فی شرح تحریر الوسیله (کتاب الحج)، ج ۱، ص ۷۰.
۶. تحریر الاحکام، ج ۱، ص ۵۴۳.
۷. الخلاف، ج ۲، ص ۳۷۹؛ تحریر الاحکام، ج ۱، ص ۵۴۳؛ مسالک الافهام، ج ۲، ص ۱۲۴.
۸. الخلاف، ج ۲، ص ۳۷۸؛ تحریر الاحکام، ج ۱، ص ۵۴۳؛ مدارک الاحکام، ج ۷، ص ۲۲.

۹. تذکره الفقهاء، ج ۷، ص ۳۷.
۱۰. المعتمر، ج ۲، ص ۲۴۹.
۱۱. مهذب الاحکام، ج ۱۲، ص ۳۶؛ جواهر الکلام، ج ۱۸، ص ۳۵.
۱۲. حاشیه رد المحتار، ج ۲، ص ۵۱۲؛ بدائع الصنائع، ج ۲، ص ۱۲۱؛ تحفة الفقهاء، ج ۱، ص ۳۸۳.
۱۳. بدائع الصنائع، ج ۲، ص ۲۹۵؛ تحفة الفقهاء، ج ۱، ص ۳۸۳؛ الفقه الاسلامی وادلته، ج ۳، ص ۴۱۰.
۱۴. المدونة الكبرى، ج ۱، ص ۳۸۰؛ مواهب الجلیل، ج ۳، ص ۴۴۳؛ الفقه الاسلامی وادلته، ج ۳، ص ۴۱۰.

مقدمه رسیدن به حج است و این شرط، برای کودک، حاصل است.<sup>۷</sup> نظریه دیگر آن که استطاعت از وقت بلوغ، شرط وجوب حج است؛<sup>۸</sup> زیرا استطاعت در آیه شریفه «وَلِلَّهِ عَلَى النَّاسِ حِجُّ الْبَيْتِ مَنِ اسْتَطَاعَ إِلَيْهِ سَبِيلًا» استطاعت وقت وجوب حج است.<sup>۹</sup>

#### ◀ نیابت کودک از دیگری در حج:

کودک یا ممیز است یا غیر ممیز و نیابت، یا در حج واجب است یا در مستحب.

#### ▼ نیابت کودک غیر ممیز: امامیان، به

استناد اجماع<sup>۱۰</sup>، قائلند نیابت کودک غیر ممیز از دیگری در اعمال حج جایز نبوده<sup>۱۱</sup> و سرپرست کودک نیز نمی تواند وی را نایب از دیگری قرار دهد.

#### ▼ نیابت کودک ممیز: بنا بر نظریه عدم

مشروعیت عبادات کودک ممیز، نیابت وی در حج درست نیست؛ چون عبادت های کودک مشروعیت ندارد<sup>۱۲</sup> و اگر عبادت وی برای خود

شافعیان<sup>۱</sup> و حنبلیان<sup>۲</sup> گفته اند کودکانی که در انشای اعمال بالغ می شوند، دو دسته اند: یا پس از خروج از عرفات بالغ شده و دوباره به آن باز نگشته اند که از حجة الاسلام کفایت نمی کند یا وقوف را درک کرده یا در صورت عدم درک، آن را تدارک کرده باشد که از حجة الاسلام کفایت می کند. ولی اگر پس از طواف قدوم سعی کرده باشد سعی را اعاده کند.

#### ▼ رابطه استطاعت و بلوغ: در صورت

اجزای حج کودک بالغ شده، برخی از فقهای امامی، استطاعت مالی او را در وطن شرط نمی دانند.<sup>۳</sup> ولی برخی دیگر گفته اند برای حجة الاسلام استطاعت بلدی لازم است و کودک باید پیش از آن، توانایی به حج رفتن داشته باشد<sup>۴</sup> و پس از آن نیز نیازمند به مردم نباشد؛ چون بلوغ، یکی از شرایط وجوب حج است، نه همه شرایط.<sup>۵</sup> برخی دیگر گفته اند استطاعت، از میقات شرط است، نه از بلد؛<sup>۶</sup> چون طی طریق جزو شرایط حج نیست. بلکه

۷. کتاب الحج، شاهرودی، ج ۱، ص ۷۱.  
 ۸. مسالك الافهام، ج ۲، ص ۱۲۵؛ مدارک الاحکام، ج ۷، ص ۲۳؛  
 العروة الوثقی، ج ۴، ص ۳۵۴.  
 ۹. تفصیل الشریعه فی شرح تحریر الوسیله (کتاب الحج)، ج ۱، ص ۶۹.  
 ۱۰. مستند الشیعه، ج ۱۱، ص ۱۰۷-۱۰۸.  
 ۱۱. المعتمر، ج ۲، ص ۷۶۶؛ قواعد الاحکام، ج ۱، ص ۴۱۰؛ جامع المدارک، ج ۲، ص ۳۰۵.  
 ۱۲. جواهر الکلام، ج ۱۸، ص ۲۴۸.

۱. مغنی المحتاج، ج ۱، ص ۴۶۲؛ البیان فی مذهب الامام الشافعی، ج ۴، ص ۲۴؛ المجموع، ج ۷، ص ۲۶.  
 ۲. المغنی، ج ۳، ص ۲۰۰؛ الشرح الکبیر، ابن قدامه، ج ۳، ص ۱۶۲.  
 ۳. تذکره الفقهاء، ج ۷، ص ۴۰.  
 ۴. الدروس الشرعیه، ج ۱، ص ۳۰۸.  
 ۵. الروضة البهیة، ج ۲، ص ۱۶۵؛ ریاض المسائل، ج ۶، ص ۴۱.  
 ۶. مصباح الهدی، ج ۱۱، ص ۲۷۵؛ مهذب الاحکام، ج ۱۲، ص ۳۶.

ممیز، بنا بر شرعیت عبادات کودک ممیز<sup>۸</sup>، مشروع است<sup>۹</sup>؛ زیرا نیابت از غیر در عبادات مطلقاً درست است و اطلاق آن، کودک را نیز دربر می‌گیرد.<sup>۱۰</sup>

برخی بر آنند که نیابت از کودک غیرممیز برای حج صحیح نیست؛ چون خطاب شرعی به کودک غیرممیز تعلق نمی‌گیرد. حج انجام ثواب است و برای کودک غیرممیز، نه وجوبی در کار است و نه استحبایی.<sup>۱۱</sup>

فقه‌های اهل سنت، نیابت از کودک در حجة الاسلام را غیر جایز، ولی در حج مستحبی جایز می‌دانند.<sup>۱۲</sup> به فتوای برخی از فقه‌های امامی، کودک نابالغی که حج به جای آورده، سفر پس از بلوغ، سفر دوم وی محسوب شده و از صوره خارج می‌شود.<sup>۱۳</sup> (← نیابت °)

#### ◀ منابع

احکام الاطفال وادلتها: جمعی از پژوهشگران زیرنظر قدرت الله انصاری، قم، مرکز فقهی ائمه اطهار، ۱۴۳۱ق؛ احکام الصغار: محمد بن محمود الاسروشنی (م. ۶۳۲ق.)، تحقیق

درست نباشد، برای دیگری به اولویت درست نیست.<sup>۱</sup> قصد و نیابت از دیگری نیز عمل کودک را تصحیح نمی‌کند؛ زیرا عبادت‌های تمرینی، نه واجب است و نه مستحب.<sup>۲</sup>

بنا بر نظریه مشروعیت عبادات کودک ممیز، برخی از فقیهان امامی بر آنند نیابت کودک ممیز برای دیگری در حج، در همه حال درست است<sup>۳</sup>؛ زیرا عبادت کودک صحیح و مشروع است و وی، سزاوار پاداش بر عبادت است. چنانچه از جانب خود می‌تواند به حج برود، از طرف دیگری نیز می‌تواند نیابت کند.<sup>۴</sup>

دیدگاه دیگر این‌که با توجه به اطلاق احادیث دال بر نیابت از میت<sup>۵</sup>، کودک ممیز تنها می‌تواند از میت نیابت کند.<sup>۶</sup> نظریه دیگر این است که به دلیل اطلاق برخی احادیث، کودک تنها می‌تواند در حج مستحبی نیابت کند.<sup>۷</sup>

#### ◀ نیابت دیگران از حج کودک:

بیشتر فقها بر آنند، نیابت برای حج کودک

۱. جامع المدارک، ج ۲، ص ۳۰۵.

۲. کشف اللام، ج ۵، ص ۱۴۹.

۳. مجمع الفائدة و البرهان، ج ۶، ص ۱۲۸؛ مدارک الاحکام، ج ۷، ص ۱۱۲-۱۱۳.

۴. مختلف الشیعه، ج ۴، ص ۳۳۲؛ مدارک الاحکام، ج ۷، ص ۱۱۲.

۵. الکافی، ج ۲، ص ۱۵۹.

۶. موسوعة الامام الخویی، ج ۲۷، ص ۶.

۷. موسوعة الامام الخویی، ج ۲۷، ص ۷۰.

۸. مستمسک العروة الوثقی، ج ۱۱، ص ۱۳.

۹. العروة الوثقی، ج ۴، ص ۵۳۷؛ مهذب الاحکام، ج ۱۲، ص ۲۳۶.

۱۰. الحدائق الناضرة، ج ۱۴، ص ۲۸۹-۲۹۰.

۱۱. احکام الاطفال، ج ۵، ص ۴۹۱.

۱۲. حاشیة رد المحتار، ج ۲، ص ۶۰۱.

۱۳. مناسک جامع حج، ص ۳۲۵-۳۲۶.

١٤٢١ق؛ التنقيح الرائع لمختصر الشرائع: مقدار بن عبدالله السيوري، به كوشش عبداللطيف حسيني كوه كمرى، قم، انتشارات كتابخانه آيتالله العظمى مرعشى نجفى، ١٤٠٤ق؛ تهذيب الاحكام فى شرح المقنعة للشيخ المفيد: محمد بن حسن الطوسى (٣٨٥-٤٦٠ق.)، به كوشش سيد حسن موسوى خراسان و على آخوندى، تهران، دار الكتب الاسلاميه، ١٣٦٥ش؛ جامع المدارك فى شرح المختصر النافع: سيد احمد الخوانسارى (١٤٠٥ق.)، به كوشش على اكبر غفارى، تهران، مكتبة الصدوق، ١٤٠٥ق؛ جامع المقاصد فى شرح القواعد: على بن حسين الكركى (٩٤٠ق.)، مؤسسة آل البيت لاحياء التراث، ١٤٠٨ق؛ الجامع للشرائع: يحيى بن سعيد حلى (٦٠١-٩٠٠ق.)، قم، مؤسسه سيدالشهداء، ١٤٠٥ق؛ جواهر الفقه: عبدالعزيز بن نحرير البراج (٤٨١ق.)، تحقيق بهادري، قم، نشر الاسلامى، ١٤١١ق؛ جواهر الكلام فى شرح شرائع الاسلام: محمد حسين نجفى (١٢٦٦ق.)، تهران، دار الكتب الاسلاميه، ١٣٩٨ق؛ حاشية الدسوقى: محمد بن احمد الدسوقى (١٢٣٠ق.)، احياء الكتب العربيه؛ حاشية الخرشى: محمد بن عبدالله خرشى مالكي (١١٠١ق.)، تحقيق زكريا عميرات، بيروت، دار الكتب العلميه، ١٤١٧ق؛ الحاوى الكبير فى فقه مذهب الامام الشافعى: على بن محمد الماوردى (٤٥٠ق.)، به كوشش على محمد معوض و عادل احمد عبدال موجود، بيروت، دار الكتب العلميه، ١٤١٤ق؛ الحدائق الناضرة فى احكام العترة الطاهرة: يوسف بن احمد البحرانى (١١٨٦ق.)، تحقيق محمد تقى ابروانى و على آخوندى، قم، دفتر انتشارات

مصطفى صميده، بيروت، دار الكتب العلميه، ١٤١٨ق؛ آراء المراجع فى الحج على ضوء فتاوى الامام الخمينى فى تحرير الوسيله: على افتخارى گلباگانى، تهران، مشعر، ١٣٨٥ش؛ الانصاف فى معرفه الراجح من الخلاف على مذهب الامام احمد بن حنبل: على بن سليمان المرادوى (٨٨٥ق.)، به كوشش محمد حامد فيقى، بيروت، دار احياء التراث العربى، ١٣٧٧ق؛ ايضاح الفوائد فى شرح اشكالات القواعد: حسن بن يوسف حلى (٦٤٨-٧٧١ق.)، به كوشش سيد حسين موسوى كرماني و عبدالرحيم بروجردى و على پناه اشتهاى، قم، چاپخانه علميه، ١٣٨٧ق؛ بدائع الصنائع فى ترتيب الشرائع: ابوبكر بن مسعود الكاشانى (٥٨٧ق.)، باكستان، المكتبة الحبيبيه، ١٤٠٩ق؛ براهين الحج للفقهاء و الحجج: رضا مدنى كاشانى (١٤١٣ق.)، مدرسه علميه آيتالله مدنى كاشانى، ١٤١١ق؛ بلغة السالك لا قرب المسالك: احمد بن محمد الصاوى، تحقيق و تصحيح محمد عبدالسلام شاهين، بيروت، دار الكتب العلميه، ١٤١٥ق؛ تحرير الاحكام الشرعيه على مذهب الاماميه: حسن بن يوسف حلى (٦٤٨-٧٢٦ق.)، به كوشش ابراهيم بهادري، قم، انتشارات مؤسسه امام صادق، ١٤٢٠ق؛ تحرير الوسيله: سيد روح الله خمينى (١٣٦٨ش.)، نجف، دار الكتب العلميه؛ تحفة الفقهاء: علاءالدين سمرقندى (٥٣٩)، بيروت، دار الكتب العلميه، ١٤١٤ق؛ تذكرة الفقهاء: حسن بن يوسف حلى (٦٤٨-٧٢٦ق.)، قم، مؤسسة آل البيت لاحياء التراث، ١٤١٤-١٤٢٣ق؛ تفصيل الشريعة فى شرح تحرير الوسيله: محمد فاضل لنكرانى (١٤٢٨ق.)، قم، مركز فقه الائمة الاطهار عليه السلام.



اسلامى، ١٣٦٣ش؛ **حواشى العلامتين** عبدالحميد الشروانى و احمد بن قاسم العبادى على تحفة المنهاج بشرح المنهاج ابن حجر الهيتمى: الشروانى (م. ١٣٠١ق.) و العبادى (م. ٩٩٤ق.)، بيروت، دار احياء التراث العربى، بي تا؛ **الخلافة فى الاحكام**: محمد بن حسن الطوسى (٣٨٥-٤٦٠ق.)، قم، دفتر انتشارات اسلامى، ١٤٠٧ق؛ **الدر المختار**: محمد امين الحصفى (م. ١٠٨٨ق.)، بيروت، دار الفكر، ١٤١٥ق؛ **الدروس الشرعيه فى فقه الاماميه**: محمد بن مكى (م. ٧٨٦ق.)، قم، دفتر انتشارات اسلامى، ١٤١٢ق؛ **دعائم الاسلام و ذكر الحلال و الحرام و القضايا و الاحكام**: نعمان بن محمد المغربى (م. ٣٦٣ق.)، تحقيق آصف بن على اصغر فيضى، قاهره، دار المعارف، ١٣٨٣ق؛ **ذخيرة المعاد فى شرح الارشاد**: محمدباقر سيزوارى (م. ١٠٩٠ق.)، انتشارات مؤسسه آل البيت لاحياء التراث، ١٤٢٧ق؛ **الروضة البهية فى شرح اللمعة الدمشقيه**: زين الدين بن على، شهيد ثانى (٩١١-٩٦٦ق.)، تحقيق سيد محمد كلانتر، قم، مكتبة داورى، ١٤١٠ق؛ **روضة الطالبين و عمدة المتقين**: يحيى بن شرف النووي (٦٣١-٦٧٦ق.)، به كوشش عادل احمد عبدالموجود و على محمد معوض، بيروت، دار الكتب العلميه، بي تا؛ **رياض المسائل فى بيان احكام الشرع بالدلائل**: سيد على طباطبائى (م. ١٢٣١ق.)، قم، دفتر انتشارات اسلامى، ١٤١٢ق؛ **السرائر الحساوى لتحريم الفتاوى**: محمد بن احمد بن ادريس (م. ٥٩٨ق.)، قم، دفتر انتشارات اسلامى، ١٤١١ق؛ **سند العروة الوثقى**: محمد سند البحرانى، به كوشش ماجد آل عصفور، بيروت، مؤسسه ام القرى، ١٤٢٣ق؛ **سنن ابن ماجه**: محمد بن زيد الربيعى ابن ماجه

(م. ٢٧٥ق.)، به كوشش محمدفؤاد عبدالباقي، بيروت، دار احياء التراث العربى، ١٣٩٥ق؛ **سنن ابى داود**: ابوداود سليمان بن الاشعث (م. ٢٧٥ق.)، تحقيق و تعليق سعيد محمد اللحام، بيروت، دار الفكر، ١٤١٠ق؛ **شرائع الاسلام فى مسائل الحلال و الحرام**: جعفر بن حسن محقق حلى (٦٠٢-٦٧٦ق.)، به كوشش سيد صادق شيرازى، تهران، انتشارات استقلال، ١٤٠٩ق؛ **الشرح الكبير**: ابوالبركات احمد بن محمد الدردير (م. ١٢٠١ق.)، مصر، دار احياء الكتب العربيه؛ **الشرح الكبير**: عبدالرحمن بن قدامه (م. ٦٨٢ق.)، بيروت، دار الكتب العربى؛ **صحيح ابن خزيمة**: محمد بن اسحاق بن خزيمة (م. ٣١١ق.)، تحقيق و تعليق محمد مصطفى الاعظمى، بيروت، المكتب الاسلامى، ١٤١٢ق؛ **صحيح البخارى**: محمد بن اسماعيل البخارى (م. ٢٥٦ق.)، به كوشش عبدالعزيز بن عبدالله بن باز، بيروت، دار الفكر، ١٤٠١ق؛ **صحيح مسلم**: مسلم بن حجاج نيشابورى (٢٠٦-٢٦١ق.)، تصحيح محمد فؤاد عبدالباقي، بيروت، دار الفكر، ١٤١٩ق؛ **صراط النجاة فى اجوبة الاستفتائات**: سيد ابوالقاسم موسى خويى (١٣١٧-١٤١٣ق.)، تعليقات جواد تبريزى، قم، انتشارات برگزیده، ١٤١٦ق؛ **العروة الوثقى**: سيد محمد كاظم طباطبائى يزدى (١٢٤٧-١٣٣٧ق.)، قم، دفتر انتشارات اسلامى، ١٤٢٠ق؛ **على الدر المختار**: شرح التنوير الابصار فى فقه مذهب الامام ابى حنيفة النعمان: محمد امين بن عابدين (م. ١٢٥٢ق.)، بيروت، دار الفكر، ١٤١٥ق؛ **فتح العزيز**: عبدالكريم بن محمد رافعى قزوینى (م. ٦٢٣ق.)، دار الفكر؛ **الفروع و معه صحيح الفروع**: محمد بن مفلح بن مفرج (م. ٧٦٣ق.)، به كوشش عبدالله

التركي، بيروت، مؤسسة الرسالة، ۱۴۲۴ق؛ **الفقه الاسلامي و ادلته**: وهيبه الزحيلي، دمشق، دار الفكر؛ **فقه السنه**: السيد السابق، بيروت، دار الكتاب العربي، ۱۴۰۷ق؛ **قواعد الاحكام في معرفة الحلال و الحرام**: حسن بن يوسف حلي (۶۴۸-۷۲۶ق.)، قم، دفتر انتشارات اسلامي، ۱۴۱۳ق؛ **الكافي في الفقه**: ابوالصلاح تقي الدين الحلبي (م. ۴۴۷ق.)، به كوشش استادي، اصفهان، مكتبة اميرالمؤمنين عليه السلام، ۱۴۰۳ق؛ **الكافي في فقه الامام احمد**: عبدالله بن قدامه (م. ۶۲۰ق.)، بيروت، دار الكتب العلميه، ۱۴۱۴ق؛ **الكافي**: محمد بن يعقوب كليني (م. ۳۲۹ق.)، به كوشش علي اكبر غفاري، تهران، دار الكتب الاسلاميه، ۱۳۷۵ش؛ **كتاب الحج**: سيد حسن طباطبائي قمي (م. ۱۴۲۸ق.)، قم، مطبعة باقري، ۱۴۱۵ق؛ **كتاب الحج**: سيد محمد محقق داماد (م. ۱۳۸۸ق.)، به تقرير عبدالله جوادي آملی، قم، چاپخانه مهر، ۱۴۰۱ق؛ **كتاب الحج**: سيد محمود شاهرودي (م. ۱۳۹۴ق.)، به تقرير ابراهيم جناتي، قم، مؤسسه انصاريان، ۱۳۸۲ش؛ **كتاب الحج**: وحيد خراساني؛ **كشاف القناع عن متن الاقناع**: منصور بن يونس البهوتي (م. ۱۰۵۲ق.)، به كوشش محمد حسن محمد اسماعيل شافعي، بيروت، دار الكتب العلميه، ۱۴۱۸ق؛ **كشف الغطاء عن مبهمات الشريعه الغراء**: جعفر كاشف الغطاء، تحقيق التبريزيان و ديگران، قم، دفتر انتشارات اسلامي، ۱۴۲۲ق؛ **كشف اللثام عن قواعد الاحكام**: محمد بن الحسن الفاضل الهندي (م. ۱۱۳۷ق.)، قم، دفتر انتشارات اسلامي، ۱۴۱۶ق؛ **كشف اللثام عن قواعد الاحكام**: محمد بن الحسن الفاضل الهندي (م. ۱۱۳۷ق.)، قم، دفتر انتشارات اسلامي،

۱۴۱۶ق؛ **المبسوط في فقه الاماميه**: محمد بن حسن الطوسي (۳۸۵-۴۶۰ق.)، به كوشش محمداقبر بهبودي و سيد محمدتقي كشفي، تهران، مكتبة المرتضويه، ۱۳۵۱ش؛ **المبسوط**: محمد بن احمد السرخسي (م. ۴۸۳ق.)، بيروت، دار المعرفه، ۱۴۰۶ق؛ **مجمع الفائدة و البرهان في شرح ارشاد الاذهان**: مقدس اردبيلي احمد بن محمد (م. ۹۹۳ق.)، به كوشش مجتبي عراقي و حسين يزدي و علي پناه اشتهاردي (۱۲۹۶-۱۳۸۷ش.)، قم، دفتر انتشارات اسلامي، ۱۴۰۳ق؛ **المجموع شرح المهذب**: يحيى بن شرف النووي (م. ۶۳۱-۷۶۶ق.)، بيروت، دار الفكر؛ **مختصر المزني**: اسماعيل بن يحيى المزني (م. ۲۶۳ق.)، بيروت، دار المعرفه، بي تا؛ **مختلف الشيعه في احكام الشريعه**: حسن بن يوسف حلي (م. ۶۴۸-۷۲۶ق.)، قم، دفتر انتشارات اسلامي، ۱۴۱۲ق؛ **مدارك الاحكام في شرح شرائع الاسلام**: سيد محمد بن علي موسوي عاملي (م. ۹۵۶-۱۰۰۹ق.)، قم، مؤسسة آل البيت لاحياء التراث، ۱۴۱۰ق؛ **المدونة الكبرى**: مالك بن انس (م. ۱۷۹ق.)، بيروت، دار احياء التراث العربي؛ **مسالك الافهام الى تنقيح شرائع الاسلام**: زين الدين بن علي، شهيد ثاني (۹۱۱-۹۶۶ق.)، قم، انتشارات معارف اسلامي، ۱۴۱۶ق؛ **مستمسك العروة الوثقى**: سيد محسن حكيم (م. ۱۳۹۰ق.)، قم، انتشارات كتابخانه آيتالله العظمى مرعشي نجفي، ۱۴۰۴ق؛ **مستند الشيعه في احكام الشريعه**: احمد بن محمد مهدي النراقي (۱۱۸۵-۱۲۴۵ق.)، قم، مؤسسة آل البيت لاحياء التراث، ۱۴۱۵ق؛ **مصباح الهدى في شرح العروة الوثقى**: محمدتقي آملی (م. ۱۳۹۱ق.)، تهران، انتشارات فردوسي، ۱۳۸۰ق؛ **المعتبر في شرح المختصر**:

جعفر بن حسن محقق حلی (۶۰۲-۶۷۶ق.)، قم، انتشارات سید الشهداء، ۱۳۶۴ش؛ معتمد العروة الوثقی: محاضرات الخویی (۱۳۱۷-۱۴۱۳ق.)، به کوشش رضا خلخالی، قم، انتشارات مدرسه دارالعلم، ۱۴۰۴ق؛ المعتمد فی شرح المناسک: (کتاب الحج: محاضرات الخویی): به کوشش محمدرضا موسوی خلخالی، قم، انتشارات دارالعلم/ مؤسسه احیاء آثار الامام الخویی، ۱۴۱۰ق؛ مغنی المحتاج الی معرفة معانی الفاظ المنهاج: محمد بن احمد الشریبینی (۹۷۷)، بیروت، دار احیاء التراث العربی، بی‌تا؛ المغنی: عبدالله بن قدامه (م. ۲۰ق.)، بیروت، دار الکتب العربی؛ المقنع: محمد بن علی بن بابویه (شیخ صدوق) (۳۱۱-۳۸۱ق.)، قم، انتشارات مؤسسه الامام الهادی، ۱۴۱۵ق؛ المقنع: شیخ مفید محمد بن محمد بن نعمان (۳۳۶-۴۱۳ق.)، قم، دفتر انتشارات اسلامی، ۱۴۱۰ق؛ من لایحضره الفقیه: محمد بن علی بن بابویه (شیخ صدوق) (۳۱۱-۳۸۱ق.)، تحقیق و تصحیح علی اکبر غفاری، قم، دفتر انتشارات اسلامی، چاپ دوم، ۱۴۰۴ق؛ مناسک جامع حج: ناصر مکارم شیرازی، قم، مدرسه امام علی بن ابی طالب علیه السلام، ۱۴۲۶ق؛ مناسک حج (المحشی): امام خمینی (م. ۱۳۶۸ش.)، نشر مشعر، ۱۴۱۶ق؛ مناسک عمره مفرده (محشی): محمدرضا محمودی، تهران، مشعر، ۱۴۲۹ق؛ مناقب آل ابی طالب: ابن شهر آشوب (م. ۵۸۸ق.)، تحقیق گروهی از اساتید نجف، نجف، المكتبة الحیدریه، ۱۳۷۶ق؛ منتهی المطلب فی تحقیق المذهب: حسن بن یوسف حلی (۶۴۸-۷۲۶ق.)، مشهد، انتشارات بنیاد پژوهش‌های اسلامی آستان قدس رضوی، ۱۴۱۴ق؛ مهذب الأحکام فی بیان الحلال و

الحرام: سید عبدالاعلی سبزواری (م. ۱۴۱۴ق.)، دفتر آیه الله سبزواری، ۱۴۱۶ق؛ المهذب فی فقه الشافعی: ابراهیم ابن علی الشیرازی (م. ۴۷۶ق.)، بیروت، دار احیاء الکتاب العلمیه؛ المهذب: ابن براج طرابلسی، قم، دفتر انتشارات اسلامی، ۱۴۰۶ق؛ مواهب الجلیل: محمد بن محمد الحطاب الرعینی (م. ۹۵۴ق.)، تحقیق زکریا عمیرات، بیروت، دار الکتب العلمیه، ۱۴۱۶ق؛ موسوعة الامام الخویی: سید ابوالقاسم موسوی خویی (۱۳۱۷-۱۴۱۳ق.)، قم، انتشارات احیاء آثار الخویی، ۱۴۱۸ق؛ النهایة فی مجرد الفقه و الفتاوی: محمد بن حسن الطوسی (۳۸۵-۴۶۰ق.)، بیروت، دار الکتب العربی، ۱۴۰۰ق؛ وسائل الشیعه (تفصیل وسائل الشیعه الی تحصیل مسائل الشریعه): محمد بن الحسن الحر العاملی (۱۰۳۳-۱۱۰۴ق.)، به کوشش عبدالرحیم ربانی شیرازی، بیروت، دار احیاء التراث العربی، ۱۴۰۳ق؛ الینایع الفقهیه: علی اصغر مروارید، بیروت، مؤسسه فقه الشیعه، ۱۴۱۰ق.

سید عباس رضوی



### حج‌گزاری: اعمال عبادی خاص در سرزمین مکه

حج، به معنای زیارت و قصد بیست الله الحرام، مناسک و ویژه‌ای دارد و طبق روایات اسلامی، تاریخ آن به دوره آدم علیه السلام یا ابراهیم علیه السلام می‌رسد. سنت زیارت کردن و به سمت کعبه آمدن در موسم خاص، پیوند دهنده انسان با خداوند و تأمین‌کننده آرامش و امنیت و رفاه عمومی بوده است. (قصص/۵۷، ۸۸)